

سحر از دیدگاه قرآن و روایات

نیاز حسین^۱

چکیده:

نوشتاری که پیشرو دارید، تحقیقی است درباره مسأله سحر. از آنجا که بسیاری از مردم، حتی از اهل علم نیز سحر را امری موهوم و پنداری خرافاتی تلقی می‌کنند، به نظر می‌رسد پژوهشی از این گونه مباحث می‌تواند در زدودن ابهام‌های موجود در این باره مؤثر باشد. بنابراین، نویسنده تلاش کرده است در این نوشتار، رویکرد قرآن و حدیث به مسأله سحر، با لحاظ نقطه نظرات تفسیری مورد بررسی قرار دهد.

مسائلی همچون سحر در لغت و اصطلاح، ماهیت و حقیقت سحر، پیشینه سحر، خاستگاه آن، ماهیت سحر و نوع استخدام آن توسط بشر، جایز یا ممنوع بودن استفاده از آن از نظر قرآن و حدیث و پاره‌ای شبهات مربوط بدان از جمله مواردی است که در این مقاله بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: سحر، جادو، علوم غریبه، خارق‌العاده، معجزه و کرامت.

سحر از دیدگاه قرآن و روایات

دانش پژوه مقطع ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن^۱

مقدمه:

خداوند متعال جهان هستی را به گونه‌های مختلف آفریده است. از جمله: جهانی که از ماده در آن، خبری نیست و همه آن جهان، مجرد از ماده و نیازهای مادی است؛ مثل جهان ملائک، ارواح و...؛ جهانی که از ماده هست و مملو از نیازهای مادی؛ مثل جهان طبیعت دنیا؛ و گونه سوم که از آفرینش خداوند بوجود آمده، جهانی است که مخلوطی از مجرد و ماده است؛ مثل جهان برزخ.

انسان در جهان ماده قبل از تجربه و آموختن علوم به این نتیجه رسیده است که میان اتفاقات این جهان، قاعده علت و معلول حاکم است؛ یعنی آب علت رفع تشنگی است و خواب علت رفع خستگی و... این اتفاقات کاملاً عادی و طبیعی است به حدی که یک کودک دو ساله از دیدن چنین اتفاقاتی تعجب نمی‌کند و برایش قابل درک است. اما گاه در این جهان طبیعت اتفاقاتی می‌افتد که از انتظار مردم بدور است؛ لذا این اتفاقات را جزو خارق‌العاده‌ها می‌شمارند. مثلاً یکباره آب دریا از حرکت ساکن شود، و یا مرده‌ای زنده گردد، و یا خورشید برخلاف حرکت طبیعی خود (از مشرق به مغرب) حرکت کند، و یا فردی روی آب دریا راه برود بدون اینکه در آب فرو رود و...

به نظر رسید، پیرامون این مبحث، تحقیق مختصری به انجام برسد. لذا به بررسی این مسأله پرداخته و آیات قرآن، روایات و دیدگاه‌های دانشمندان اسلامی را مورد مطالعه قرار دادیم. این بحث به حدی گسترده و جذاب است که می‌تواند یک یا چند جلد کتاب در این باره نوشت. این مختصر نوشتار، تقدیم خوانندگان عزیز تا شاید زمینه مطالعه بیشتر را برایشان فراهم آورد.



مفهوم شناسی

سحر در لغت و اصطلاح:

در مفردات راغب اصفهانی (که مخصوص کلمات قرآن است) به سه معنا اشاره شده است: ۱- فریب و پندار های بدون حقیقت و واقعیت همانند شعبده بازی و تردستی؛ علماء می فرمایند سحر جادوگران فرعون از همین نوع بوده است. قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى {موسی گفت: شما اول (شروع کنید و آنچه دارید جلو) بیندازید (آنان طنابها و عصاهای خود را انداختند) موسی چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، ناگاه طنابها و عصاهای آنان (مار شده اند و می خزند) و تند راه می روند.^۱

۲- جلب شیطانها به روشهای خاص و کمک گرفتن از آنها؛ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ *يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ؛ آیا به شما خبر بدهم شیاطین بر چه کسانی نازل می شوند (و إلقاء وسوسه می کنند) بر کسانی نازل می گردند که کذاب و بی گناهکار باشند (چرا کاهنان و غیبگویان دروغگو و پلشت می باشند) (به شیاطین) گوش فرا می دهند و بیشترشان دروغگویند (واز پیش خود چیرهایی بهم می بیافند.^۲

۳- ممکن است با وسایلی ماهیت و شکل اشخاص و موجودات را تغییر داد؛

مثلاً انسان را به وسیله آن بصورت حیوان در آورد ولی این نوع، خیال و پنداری بیش نیست و واقعیت ندارد.^۳

در لسان العرب آمده است: سحر عبارت است از هر آنچه که مأخذ، منشأ و عوامل آن ظریف، مرموز، نامرئی و پنهان باشد. و درباره معنی اصطلاحی سحر در لسان العرب آمده است: سحر عملی است که با انجام دادن آن ساحر به شیطان نزدیک می شود.^۴

در تعریف سحر در عمده القاری چنین آمده است: " فهو امر خارق العادة صادر عن نفس شریرة لا یتعذر معارضته " سحر عملی است خارق العاده که از فردی شریر انجام می گیرد و مقابله با آن مشکل نیست ".^۵

^۱. طه، ۶۶.

^۲. شعراء، ۲۲۶.

^۳. مفردات الفاظ قرآن راغب اصفهانی، ص ۴۰۰.

^۴. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۴۷.

^۵. عهده القاری باب السحر، ج ۲۱، ص ۲۷۷.

شیخ الطایفه ابوجعفر طوسی می گوید: برای سحر چهار معنی آورده اند:

۱- خدعه و فریبکاری عاری از حقیقت که در چشم جادو شدگان حقیقت می نماید.

۲- چشم بندی از راه فریب و حيله گری

۳- تبدیل یک موجود جاندار به موجود دیگر و آفرینش برخی از اجسام مثلا به کمک جادو انسان را تبدیل به الاغ کند و برخی از چیزها را بیافریند.

۴- نوعی به کار گرفتن جنیان.

آنگاه فرموده: نزدیک ترین تعریف به سحر همان تعریف اول است زیرا هر چه از مجرای طبیعی خارج شود به گمان ایشان سحر است و چنین چیزی هرگز از ساحر ساخته نیست و هر که چنین باوری داشته باشد کافر است زیرا اگر چنین چیزی ممکن باشد نمی توان به حقانیت معجزات و دلائل نبوت پیامبران یقین پیدا کرد چرا که همانند آن از راه سحر و فریب نیز ممکن بوده است.^۱

ماهیت و حقیقت سحر:

سحر، جز علوم غریبه است که یادگیری آن منجر به بروز اعمال غیر عادی از انسان می شود و علل و مبادی غیرمادی و نامحسوس دارد که در بعضی موارد مطابق با واقعیت و در موارد دیگر مخالف آن است. انجام سحر و جادوگری بر عهده اراده و قدرت روح انسان است و دایره آن در محدوده شعاع وجودی نفس پلید ساحران و کاهنان است. از بارزترین مصادیق این علم، «علم سیمیا» است که از آمیختن قوای ارادی با قوای مادی خاص برای دستیابی به تصرفات خاصی در امور طبیعی مانند تصرف در خیال که آن را «جادوی چشم» می گویند، بحث می کند، همان عملی که از مرتاضین و بعضی اشخاص بروز می کند و انسان ابتدا تصور می کند که برخلاف عادت و طبیعت است، ولی با دقت نظر معلوم می شود که این عمل با اسباب طبیعی از قبیل تمرین و عادت همراه است که منتها خلاف حقیقت را نشان می دهد و اشیایی را که واقعیت خارجی ندارند در نظر معمول به صورت واقعی جلوه می دهد.^۲

^۱. محمد هادی معرفت، شبهات پیرامون قرآن کریم، ص ۲۵۷.

^۲. تفسیر جامع، حاج سید ابراهیم بروجردی، ج ۱، ص ۲۳۱.

سحر، گاهی جنبه خدعه و چشم بندی دارد، گاهی در آن از عوامل تلقینی استفاده می شود و گاه با استفاده از خواص ناشناخته فیزیکی و شیمیایی بعضی از اجسام و مواد صورت می گیرد و گاه از طریق کمک گرفتن از شیاطین است. در طول تاریخ به داستان های زیادی در زمینه سحر و جادو برمی خوریم. در عصر ما نیز کسانی که به اینگونه کارها دست می زنند، کم نیستند. ولی چون بسیاری از خواص موجودات که در گذشته بر توده مردم مخفی بود در زمان ما آشکار شده است و حتی کتابهایی در زمینه آثار اعجاب انگیز موجودات مختلف نوشته اند، قسمت زیادی از سحرهای ساحران از دستشان گرفته شده است. مثلاً در شیمی امروز، اجسام بسیاری را می شناسیم که وزنشان از هوا سبکتر است و اگر درون جسمی قرار داده شوند، ممکن است آن جسم به حرکت درآید و کسی هم تعجب نکند حتی بسیاری از وسایل بازی کودکان امروز، شاید در گذشته یک نوع سحر به نظر می رسید. امروزه در سیرک ها نمایش هایی می دهند که شبیه ساحران گذشته است. امروز گاهی با استفاده از چگونگی تابش نور، آینه ها، خواص فیزیکی و شیمیایی اجسام، صحنه های عجیب و غریبی به وجود می آورند که تماشاچیان از تعجب انگشت به دهان می گیرند. در هر حال سحر چیزی نیست که وجود آن را بتوان انکار کرد یا به خرافات نسبت داد چه در گذشته و چه در امروز.^۱

پیشینه سحر:

درباره آغاز سحر و ساحری بحثهای فراوانی شده است، از کتیبه ها، تصاویر؛ علائم و اشیائی که از حفاریهای باستان شناسی بدست آمده است چنین بر می آید که سحر و ساحری از زمانهای خیلی قدیم در میان مردم رواج داشته است و آن را مورد استفاده قرار می دادند و از بررسی تاریخ به این نکته پی می بریم که اهل بابل از نوابغ این فن بوده اند.

تاریخ شروع سحر و جادوگری در زندگی بشر مشخص نیست، ولی اینقدر می توان گفت که از زمان های خیلی قدیم این کار در بین مردم رواج داشته است.^۲

از زمانهای بسیار دور این احساس در بشر وجود داشته است که او با موجودات شریر روبروست و در این مقابله و رویارویی، آینه ای جادویی را تنها سلاح خویش یافت. اسناد به دست آمده حاکی از این است که این آیین در میان ساکنان رود دجله و فرات که پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح می زیسته اند، رواج داشته است. کاهنان این قوم معتقد بودند که در درون انسان نیروی خطرناکی وجود دارد که از او محافظت می کند اما در عین

^۱. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۴۱ - ۲۴۰.

^۲. همان، ص ۲۳.

حال می تواند مخرب هم باشد و سحر و جادو در دست تبهکاران اسلحه منحرفی بود که می شد از آن برای مقاصد پلید استفاده کرد.^۱

البته سحر قبل از حضرت سلیمان علیه السلام نیز وجود داشته است، زیرا هر پیامبری که مبعوث می شد، طاغوتیان تهمت سحر را متوجه او می کردند و حتی این اتهام در زمان حضرت نوح علیه السلام وجد داشت: «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ؛ هیچ پیامبری برای هدایت امت های پیشین نیامد جز اینکه او را تکذیب کردند و گفتند او ساحر یا دیوانه است».^۲

دیدگاه های اندیشمندان

از آنجائیکه سحر دارای معانی مختلفی است و سحر کردن به روشهای متعددی صورت می گیرد علماء درباره حقیقت سحر اختلاف دارند.

ابن حجر در فتح الباری می نویسد: گروه معتزله معتقدند که سحر حقیقت و واقعیت ندارد همچنین طبرسی، ابن حزم ظاهری و از شوافع ابو اسحق استر تابادی و از احناف ابوبکر رازی نیز بر همین باورند که سحر حقیقت ندارد و آنچه را که ساحر انجام می دهد وهم و گمان و خیال افکنی است.

ایشان برای اثبات نظریه خود از آیات ذیل و امثال آن استدلال می کنند: «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى؛ گفت [نه] بلکه شما بیندازید پس ناگهان ریسمانها و چوبدستی هایشان بر اثر سحرشان در خیال او [چنین] می نمود که آنها به شتاب می خزند».^۳

چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان بناگاه طنابها و عصاهای آنان (مار شده و می خزند) و تند راه می روند.

در سوره اعراف ۱۱۶ هنگامیکه جادوگران (وسایل جادوگری خود را) بینداختند مردم را چشم بندی کردند. «قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَأَسْرَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ؛ گفت شما بیفکنید و چون افکندند دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند».^۱

^۱. تاریخ جادوگری، ص ۲۲.

^۲. ذراریات، ۵۲.

^۳. طه، ۶۶.

طبری می گوید: سحر واقعی ندارد، زیرا اگر آن ریسمانها و عصاها به یاری سحر و جادو تبدیل به مارهای واقعی شده بودند نمی فرمود: چشمهای مردم را جادو کردند.

بلکه می فرمود: چون عصاها را افکندند تبدیل به مارها شد همچنین نمی فرمود: در اثر سحر ایشان تخیل میشد که در جنب و جوش است.

در سوره یونس: «فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهٖ السَّحْرِ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَبِّطٌ ۗ كَفَّتْ آرَائِهِ دَادِدٌ ۖ وَآقَعَا جَادُو است قطعاً خداوند آنرا پوچ و نابود خواهد کرد.»^۲

از این آیات معلوم می شود که سحر دارای واقعیت بوده و اثرش ثابت است که خداوند آن را باطل می کند، زیرا چیزی باطل می شود که واقعا وجود داشته باشد نه اینکه وهم و گمان باشد.

در حدیثی از صحیح البخاری منقول است که لبید بن الاصم یهودی از قبیله بنی زریق پیامبر ص را سحر نمود، از اثر سحرش پیامبر گرامی ص مریض شدند به حدیکه کاری را که انجام نداده بود تصور می کرد که انجام داده است سوره های معوذتین (فلق و ناس) برای گشودن سحر پیامبر ص نازل شد و خداوند او را شفا داد پس معلوم می شود سحر واقعیت دارد.^۳

البته علمائی که معتقدند سحر حقیقت دارد منظورشان این نیست که هر چه را ساحر ادعا کند قادر به انجام آن است. زیرا هیچ ساحری نمی تواند ماهیت و شکل موجودات را تغییر دهد مثلا انسان را بصورت حیوان یا حیوان را بصورت انسان در آورد طبق اجماع جمهور علماء معجزات انبیاء از قبیل نازل شدن ملخ، قورباغه و شکافتن دریا و تبدیل شدن عصا با اژدها و زنده کردن مردگان و سخن گفتن حیوانات و... حقایقی بوده اند که توسط انبیاء ظاهر شده اند، و ساحران هرگز قادر به انجام کارهای خارق العاده ای که شبیه معجزات انبیاء باشند نیستند.

البته این امر جای خود را دارد که تحت قدرت بشر است بدست ساحر آشکار شود مثلا با جادو کردن کسی را مریض کنند یا در میان زوجین جدائی بیاورند یا عقل کسی را زائل یا عضو کسی را کج و فلج نمایند.

۱. اعراف، ۱۱۶.

۲. یونس، ۸۱.

۳. بخاری، ج ۴، ص ۳۶، ح ۵۷۳۶.

ولی در هر حال نباید غافل بود که موثر حقیقی فقط الله عزوجل است. « وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا يَأْتِنُ اللَّهَ؛ هر چند بدون فرمان خدا نمی توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند»^۱ و حال آنکه با این جادوی خویش نمی توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد.

تفاوت معجزه، کرامت و سحر:

دربارهٔ فرق میان معجزه، کرامت و سحر مطالبی بیان شده و برخی از دانشمندان اسلامی با عباراتی این فرق را بیان کرده‌اند و ما نیز چند نمونه از این تفاوت‌ها را بیان می‌کنیم.

فرق بین سحر و معجزه و کرامت در این است که سحر به کمک اقوال و افعالِ ساحر انجام می‌شود، ولی کرامت غالباً به صورت غیر منتظره انجام می‌گیرد. معجزه هم در مقام تحدی برای پیامبر صورت می‌پذیرد.

سحر از فرد فاسق ظاهر می‌شود، ولی کرامت و معجزه هرگز از فاسق ظاهر نمی‌شود.

معجزه، از فردی صادق صادر می‌شود که کار خارق‌العاده را با ادعای نبوت انجام دهد و معجزه را شاهد صدق سخنان خود بیاورد. کرامت از فردی صادق صادر می‌شود که کار خارق‌العاده را بدون ادعای نبوت انجام دهد و این کار خارق‌العاده، دلیلی بر مقام و منزلت معنوی آن فرد شمرده می‌شود؛ مثلاً برخی از کارهایی که ائمهٔ معصومین(ع) و یا برخی از علمای زاهد و پارسای دین انجام می‌دادند. معجزه و کرامت، واقعیتی دارای اثر است؛ مثلاً شتر حضرت صالح، مدت‌ها زندگی می‌کرد، آب می‌نوشید، راه می‌رفت، خون در بدنش جریان داشت و در نهایت نیز کشته شد. به عبارتی، این شتر با دیگر شترانی که از مادر زاده می‌شوند، هیچ گونه تفاوتی نداشت. یا شیری که به دستور امام حسن عسکری(ع) از تصویر روی دیوار پرید و فردی را مجروح کرد. اما سحر نمی‌تواند واقعیت را تغییر دهد بلکه چند لحظه‌ای ارادهٔ ساحر بر شیء اثر می‌گذارد و آن شیء را دگرگون جلوه می‌دهد درحالی‌که به صرف برطرف شدن ارادهٔ ساحر، آن شیء به حالت اولی بر می‌گردد؛ مثلاً ساحر با ارادهٔ قوی خود، ریسمانی را به گونهٔ مار جلوه می‌دهد اما آن مار، نمی‌تواند چیزی را بخورد یا نیش بزند و یا جریان خون در بدن راه داشته باشد. به همین جهت، هنگامی که ساحران فرعون دیدند مار حضرت موسی، دیگر مارها را خورد و بلعید، به حضرت موسی ایمان آوردند و فهمیدند که کار موسی سحر نیست بلکه معجزه است.

^۱. بقره، ۱۰۲.

سحر اظهار امر خارق العاده از فرد خبیث و پلید در انجام اعمال مخصوصی است که نیازمند یادگیری می‌باشد و از این دو نظر، از معجزه و کرامت جدا می‌شود و به زمان و مکان و شرایط خاصی اختصاص می‌یابد، درحالی‌که معجزه و کرامت به زمان و مکان خاصی بستگی ندارد.^۱

سحر از دیدگاه قرآن:

سحر از دیدگاه قرآن کریم، واقعیتی است که با انجام آن، یاری شیاطین، جلب می‌شود. این واژه و مشتقات آن بیش از پنجاه بار در معانی مختلف در قرآن کریم به کار رفته است که با عنایت به مجموع آیات قرآن، اکثر مفسران این پدیده را به سه نوع، تقسیم می‌کنند که به دو نوع آن در قرآن، تصریح شده است و نوع سوم را با احراز شرایطی، تأیید کرده‌اند. نوع اول، «سحر مؤثر» است که حقیقت دارد و واقعاً روی اشیاء تأثیر می‌گذارد.^۲ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «فَقَالَ إِنَّ هَذَا أَلَّا سِحْرٌ مُّؤَثَّرٌ؛ پس گفت این آیات قرآن چیزی جز سحر اثر بخش نیست.»^۳ همچنین مفسران در آیه ۱۰۲ سوره بقره، عبارت «... فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ...» را گواه بر وجود سحر مؤثر می‌دانند، زیرا به نص قرآن کریم، خداوند متعال می‌فرماید: «با آموخته‌های خود، میان شخص و همسرش جدایی می‌اندازند» و وقوع این جدایی دال بر تأثیر سحری است که به کار می‌برد.^۴ نوع دوم، سحر مجازی یا «سحر تخیلی» است، یعنی ساحر پدیده‌ای را در نگاه و خیال مسحور، غیر واقعی جلوه می‌دهد. این نوع سحر، همان تردستی و چشم‌بندی است که حقیقت ندارد چنان‌که می‌خوانیم: «فَإِذَا جِئَالَهُمْ وَ عَصِيْبُهُمْ يُجَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُ تَسْعَى؛ پس ناگهان ریسمان و چوبدستی‌ها بر اثر سحرشان در خیال او چنین می‌نمود که آنها با شتاب می‌خزند»^۵. نوع سوم «سحر شیمیایی» که قبلاً هم اشاره شد. در اینگونه سحر، با برخی از مواد شیمیایی در برخی چیزها تغییراتی به وجود می‌آورند که برای بیننده، غیرعادی است. انجام چنین کاری اگر مایه فریب مردم قرار نگیرد، اشکالی ندارد اما اگر برای نیت سوء مورد استفاده قرار گیرد، حرام است. به عنوان نمونه در تاریخ ساحران زمان حضرت موسی علیه السلام می‌خوانیم که آنها درون ریسمان و عصاهای خویش مقداری مواد شیمیایی مخصوص قرار داده بودند که پس از تابش آفتاب و یا بر اثر وسایل حرارتی که در زیر آنها تعبیه کرده بودند، به حرکت درمی‌آمدند و تماشاگران خیال می‌کردند آنها زنده شده‌اند، اما چون این کار به منظور اغفال مردم انجام می‌شد، مورد مذمت واقع شده است؛ زیرا یک نوع کارشکنی

^۱. تفسیر جوامع الجامع؛ امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ترجمه احمد امیری شادهمری، ج ۴، ص ۲۲.

^۲. قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۱۹۴.

^۳. مدثر، ۲۴.

^۴. قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۱۹۴.

^۵. طه، ۶۶.

بود در برابر هدف پیامبر صلی الله علیه وآله.^۱ منشأ کفر: سحر و جادو از بدترین پدیده های روحی است که به هر صورتی درآید، با کفر همراه است، چنان که اگر با انحراف فکری و الحاد عقیدتی همراه باشد، با کفر اعتقادی همراه است. کفر اعتقادی در جایی است که انسان به تأثیر مستقل سحر معتقد باشد، اما اگر کسی در مقام عقیده موحد و از اعتقاد به تأثیر استقلالی آن مبراً بود ولی در مقام عمل به کار گرفت، مبتلا به کفر عملی، یعنی معصیت بزرگ شده است. نه از آن جهت که به دیگری ضرر می رساند و اضرار به غیر معصیت است، بلکه خود سحر، خواه اثر بکند یا نکند، معصیت بزرگی است. به هر تقدیر، شیاطین با تعلیم و تعلم سحر، در اعتقاد و عمل، کفر می ورزند؛ زیرا قرآن کریم افزون بر اثبات کفر برای شیاطین، منشأ کفر آنان را تعلیم سحر معرفی می کند؛ بنابراین، سحر سبب کفر است: «وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ...؛ ولی شیاطین کافر شدند درحالی که به مردم سحر یاد می دادند».^۳ بر همین اساس این آیه از ادله حرمت سحر و یکی از اسباب کفر، از نظر فقهاست. بطلان و بی ثمری سحر: سحر، علمی است باطل و کاری است عاقل که هیچ سودی بر آن مترتب نیست و هرگز ساحر روی فلاح و رستگاری را نمی بیند. پیامبران الهی دو حکم قاطع خدا را به مردم، آگاه می دادند: یکی آنکه وحی، اعجاز و کرامت سراسر حق و رستگاری و صلاح است. دیگر آن که سحر، طلسم، شعبده و نظایر آن سراسر باطل است و هیچ اثر مفیدی بر آنها مترتب نیست، از این رو کسی که از روح و ریحان وحی، برخوردار باشد، همچون حضرت مسیح می گوید: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ...» «هر جا که باشم مرا با خیر و برکت قرار داده است...»^۴ و کسانی که گرفتار «چرکابه» سحر و «خار خشک» طلسم و سر شعبده باشند، همچون ساحران فرعون از هیچ چیزی بهره نمی برند و شبیه برده ای هستند که مولای او، وی را برای هر کاری بگمارد و به هر سمتی بفرستد خیری برای خود نمی آورد. حضرت موسی هم به اصل مطلب، یعنی بطلان سحر پرداخت و فرمود: «... مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرَ إِنَّ اللَّهَ سَيُّبُطْلُهُ؛ آنچه به میان آوردید، سحر است و به زودی خداوند آن را باطل خواهد کرد».^۵ بنابراین یهودیان بنی اسرائیل و هر یهودی دیگر که به تعالیم حضرت موسی، آگاه بود، هم از منظر حکمت نظری می توانست به بطلان سحر بنگرد و هم از مجرای حکمت عملی به بی ثمر بودن آن پی برد و یهودیان معاصر نزول قرآن کریم از هر دو منظر، آگاه بودند و آنچه سبب اقدام آنها به سحر و قیام آنان به نشر جادو بود، همان جهالت عملی، یعنی بی عقلی بود جهالت علمی و بی اطلاعی، زیرا تورات به هر دو قسمت

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. تسنیم، ج ۵، ص ۶۷۶.

۳. بقره، ۱۰۲.

۴. مریم، ۳۱.

۵. همان.

یاد شده، عنایت دارد.^۱ پس آنان به مصداق: «... وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ...؛ و خداوند او را دانسته گمراه ساخت»^۲ بودند چون عالمانه، راه کج را انتخاب کردند. اذن تکوینی: مطلق محرّمات، اذن تکوینی دارد نه تشریحی، مثلاً غیبت یا حرام خواری گرچه تشریحاً ممنوع است، اما تکویناً مأذون است و گرنه انجام دهنده، ناچار و مجبور خواهد بود و زمینه‌ی امتحان و آزمایش نخواهد داشت. هر کار خیر و شر در جهان، باید به اذن تکوینی خدا باشد و گرنه تفویض مستحیل لازم می‌آید و مستلزم این است که «معلول ممکن» از «علت واجب» بی‌نیاز باشد، بنابراین علت‌ها همه به اذن خداوند اثر می‌کند و نتیجه می‌دهد. این اصل مهمی است که باید در لوح ضمیر مؤمن به وضوح کامل رسیده باشد. نزدیک‌ترین مثالی که در چنین موردی برای این اصل می‌توان آورد، این است که اگر دست را به آتش نزدیک کنی می‌سوزد، ولی این سوختن به اذن خداست زیرا خداوند خاصیت سوزندگی را در آتش و احتراق را در دست قرار داده است و هرگاه خداوند اراده کند، می‌تواند این خاصیت را خنثی سازد چنانکه در داستان حضرت ابراهیم اتفاق افتاد. سحر و جادو هم چنین است.

سحر در روایات:

درباره سحر و جادو حدیث معتبری از امام صادق(ع) در کتاب «احتجاج» طبرسی و دیگر کتاب‌های روایی وارد شده که بسیار جامع و نافع است. از مجموع روایات چنین به دست می‌آید که سحر و جادو یک اتفاق خارق العاده‌ای است که با تقویت نفس و آموزش برخی علوم غریبه برای افراد حاصل می‌شود و با آن، می‌توانند کارهایی را نیز انجام دهند که این کارها در یک نگاه کلی به عالم هستی، خارج از اراده و قدرت الهی نیست، بلکه استفاده از اسباب و عللی است که خداوند در این عالم قرار داده است؛ مثلاً خداوند اراده انسان را بسیار قوی قرار داده است و از طرفی نیز موانعی برای اراده وجود دارد؛ به این معنا که اگر توجه انسان به مال دنیا، مقام و منزلت خاصی یا شهرت معطوف نشود، و تمام فکر و اراده‌اش روی یک امر متمرکز گردد، آن امر طبق اراده‌اش انجام خواهد شد و اتفاق خواهد افتاد. به عنوان نمونه چند روایاتی را نقل کرده و تعدادی را نیز آدرس می‌دهیم تا بحث به طول نینجامد.

۱. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «مَنْ تَعَلَّمَ شَيْئاً مِنَ السِّحْرِ قَلِيلاً أَوْ كَثِيراً فَقَدْ كَفَرَ، وَكَانَ آخِرَ عَهْدِهِ بِرَبِّهِ، وَحَدُّهُ أَنْ يُقْتَلَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ؛ هر که چیزی از جادو بیاموزد، کم یا زیاد، کافر است و پایان عهد او با پروردگارش باشد و کیفرش آن است که کشته شود مگر توبه کند»^۳

۱. یونس، ۸۱

۲. جائیه، ۲۵.

۳. بحارالأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۰، ح ۲.

۲. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «الْعَيْنُ حَقٌّ، وَالرُّقْيُ حَقٌّ، وَالسَّحْرُ حَقٌّ، وَالْقَالَ حَقٌّ، وَالطَّيْرَةُ لَيْسَتْ بِحَقٍّ؛ چشم‌زخم و طلسم و جادو و فال نیک زدن واقعیت دارد، اما فال بد زدن واقعیت ندارد.»^۱

۳. امام صادق(ع) می‌فرماید: «إِنَّ السَّحْرَ عَلَى وُجُوهِ شَتَّى: وَجَهُ مِنْهَا بِمَنْزِلَةِ الطَّبِّ...»^۲ زندقی از امام صادق(ع) پرسید: منشأ جادو چیست و چگونه جادوگر می‌تواند آن کارهای شگفت‌آور را انجام دهد؟ حضرت فرمود: جادو گونه‌های مختلفی دارد:

گونه‌ای از آن به منزله طبابت است. همان طور که پزشکان برای هر بیماری و دردی، دارویی درست کرده‌اند، در علم سحر نیز جادوگران برای هر صحتی آفتی، و برای هر عافیتی درد و رنجی، و برای هرکاری چاره‌ای اندیشیده‌اند.

گونه‌ای دیگر از آن چشم‌بندی، چالاکي، مهارت و تردستی است.

نوع دیگری از آن اموری است که جن‌گیرها از جنیان فرا می‌گیرند.

نزدیکترین عقیده درباره جادو به واقعیت آن است که جادو به منزله طبابت است.

رسول خدا فرمود: من مَشَى إِلَى سَاحِرٍ أَوْ كَاهِنٍ أَوْ كَذَّابٍ يُصَدِّقُهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ؛ هر کس به سوی جادوگر یا کاهن یا دروغ‌گویی برود و گفتارش را تصدیق کند به کتاب خدا کافر شده است.^۳ باز پیامبر فرمود: «جادوگر مسلمان باید به قتل برسد زیرا سحر و جادو به شرک نزدیک است.»^۴ همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هر کس چیزی از جادوگری را فراگیرد به پایان زندگی رسیده است و حد وی کشتن است مگر آنکه توبه کند.»^۵ باز حضرت علی علیه السلام پیش‌گویی از راه علم ستاره‌شناسی را نهی کرده است، زیرا پیش‌گویی دروغین، انسان را به جادوگری می‌کشاند و غیب‌گو همچون جادوگر است و جادوگر همچون کافر و کافر در آتش جهنم است.^۶ در این احادیث، اموری مطرح است همچون: اثبات حرمت سحر، اینکه سحر در اسلام ممنوع است و از گناهان کبیره است، اینکه ساحر بهره‌ای از فیض آخرت ندارد و دچار کفر می‌شود.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۰۰.

۲. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۴۱۲، ح ۸۳۴۰، واژه «السحر».

۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۰۵.

۴. آیت الله احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۸، ص ۳۴۸.

۵. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۷۷.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۷۹.

گردد، اینکه اعدام کردن، کیفر جادو کردن است نه صرف تعلیم و تعلم آن، رعایت احتیاط در حفظ و جان مردم و کیفیت اثبات ساحر بودن کسی لازم است. تحلیل نهایی این امور بر عهده فن شریف کلام و فقه است، زیرا برخی از مطالب آن از سنخ مسائل کلامی است و بعضی دیگر مربوط به فروع فقهی است.^۱

سحر از دیدگاه قرآن و روایات



^۱. تسنیم، ج ۵، ص ۷۲۸.

نتیجه :

این پژوهش دربارهٔ سحر از دیدگاه آیات قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام است. که در اینجا به خلاصه ای از سحر را در آیات قرآن و احادیث مورد بررسی قرار دهیم. که در بحث اول به مفهوم شناسی سحر در لغت و اصطلاح پرداخته شده است؛ در بحث دوم به ماهیت و و حقیقت سحر پرداخته شده، در بحث سوم به پیشینه سحر، در بحث چهارم به این موضوع که آیا سحر حقیقت دارد یا خیر، در بحث پنجم به بیان تفاوت بین سحر و معجزه و کرامت اشاره شده است، و در ادامه ی بحث به بررسی سحر از دیدگاه قرآن، و در پایان سحر را از دیدگاه روایات معصومین مورد بررسی قرار داده ایم.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹.
۱. راغب اصفهانی، حسین بن احمد، المفردات الفاظ القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، لبنان.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، الامکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع، شرح عهدمه القاری باب السحر، استانبول، ترکیه.
۴. معرفت، محمد هادی، شبهات پیرامون قرآن کریم، موسسه فرهنگی انتشارات التوحید، قم، ایران.
۵. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۶. بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، کتابخانه صدر، تهران، ۱۳۶۶.
۷. گلسخاری، ایرج، تاریخ جادوگری.
۸. خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ناهید و دوستان، تهران، ۱۳۷۷.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۴۰.
۱۱. احسان بخش، صادق، آثار الصادقین، ستاد برگزاری نماز جمعه، رشت، ۱۳۷۴.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج پنجم، قم، دارالحديث، سال ۱۳۷۷.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۶.
۱۴. تفسیر جوامع الجامع؛ امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ترجمه احمد امیری شادمهری، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۷۴.



